

Analytical-Critical Study of the Narrations Related to the Collection of the Mus'haf of Amir al-Mu'minin (AS)

Mostafa Abbasi Moqaddam¹
Seyyed Mohammad Mousavi^{*2}

Abstract

The writing of Imam Ali's (as) Mus'haf and the legislator-based structure of the Holy Qur'an has many supporters among the sects. On the other hand, the belief in the Tanzil nature of the collection of the Imam Ali's (as) Mus'haf seems to conflict with the legislator-based structure of the Qur'an; in other words, Amir al-mu'minin is considered to be the first collector of Qur'an and some Qur'anic scholars believe that Amir al-mu'minin arranged his Mus'haf according to the order of revelation and on the other hand they believe that the structure of collecting the Qur'an is in the legislator-based order and is rooted in divine revelation. This means that Imam Ali (AS) as the first and most prominent disciple of the Holy Prophet (PBUH) acted contrary to the divine command and the Prophetic tradition. In analyzing this issue, there is no other way than counting and extracting the theories of the scholars of the two sects and analyzing narrations and historical documents. With this aim and via the analytical-critical method of narrations and historical documents related to the content, the way of compiling the Mus'haf of Amir al-mu'minin has been studied, and by removing similar and repetitive narrations, it has been concluded that the Tanzil (sending down) order of the Qur'an based on the order of revelation, it is not very provable from the text and the meaning of narrations and historical evidence and in summarizing the narrations, instead of this interpretation, the following two views can be considered: an emphatic view means that the Mus'haf of the Amir al-mu'minin is complete and a complementary view means the inclusion of the Mus'haf in interpretive additions and the dignity of the revelation of verses.

Keywords

Mus'haf of Imam Ali (as), Legislator-based Order, Tanzil (sending down) Order, Revelation Narrations.

Citation: Abbasi Moqaddam, M., Mousavi, M (2020) Analytical-Critical Study of the Narrations Related to the Collection of the Mus'haf of Amir al-Mu'minin (AS). Bi-quarterly Scientific Journal of Studies on Understanding Hadith. Vol. 7, No. 1 (Serial. 13), pp. 131-157. (In Persian)

1. Assistant Professor of Department of Quran and Hadith, Kashan University.
Email: abasi1234@gmail.com.

2. Responsible Author, Ph.D Student of Quran and Hadith, Kashan University.
Email:seyyedmosavi1375@gmail.com.

Received on: 22/07/2020 Accepted on: 21/09/2020

بررسی تحلیلی - انتقادی روایات ناظر به ترتیب مصحف امیر مؤمنان علی (ع)

مصطفی عباسی مقدم^۱سید محمد موسوی*^۲

چکیده

نگارش مصحف امام علی (ع) و توقیفی بودن ساختار قرآن کریم نزد فریقین طرفداران بسیاری دارد. از سوی دیگر اعتقاد به تنزیلی بودن گردآوری مصحف امام علی (ع)، در تعارض با توقیفی بودن ساختار قرآن به نظر می‌رسد؛ به عبارت دیگر از طرفی امیرالمومنین (ع) نخستین جامع قرآن تلقی شده و برخی از قرآن‌پژوهان معتقدند که حضرت، سور مصحف خود را بر اساس ترتیب نزول، چپ‌نویس نموده و از طرفی معتقدند که ساختار گردآوری قرآن، توقیفی است و ریشه در وحی الهی دارد. این بدان معناست که حضرت علی (ع) به عنوان اولین و برجسته‌ترین شاگرد رسول اکرم (ص) برخلاف امر الهی و سیره نبوی عمل نموده است. در تحلیل این موضوع، راهی جز احصا و استخراج نظریات علمای فریقین و تحلیل روایات و مستندات تاریخی وجود ندارد. با همین هدف و از رهگذر روش تحلیلی - انتقادی روایات و مستندات تاریخی مربوط به محتوا، چگونگی گردآوری مصحف امیرالمومنین (ع) مورد واکاوی قرار گرفته و با حذف روایات مشابه و تکراری، به این نتیجه رسیده است که چپ‌نویس مصحف امام (ع) بر بنیاد ترتیب نزول، از متن و مفهوم روایات و شواهد تاریخی چندان قابل اثبات نمی‌باشد و در جمع‌بندی روایات، به جای این برداشت می‌توان برای دو دیدگاه زیر نیز جایگاهی قائل شد: دیدگاه تأکیدی به معنای بی‌کم و کاست بودن مصحف امام (ع) و دیدگاه تکمیلی به معنای اشمال مصحف بر اضافات تفسیری و شأن نزول آیات.

کلیدواژه‌ها

مصحف امام علی (ع)، ترتیب توقیفی، ترتیب تنزیلی، روایات نزول.

استناد: عباسی مقدم، مصطفی؛ موسوی، سیدمحمد (۱۳۹۹). بررسی تحلیلی - انتقادی روایات

ناظر به ترتیب مصحف امیر مؤمنان علی (ع)، دوفصلنامه علمی مطالعات فهم حدیث، ۷ (۱)،

پیاپی ۱۳، صص ۱۳۱-۱۵۷.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه کاشان. abasi1234@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول).

seyyedmosavi1375@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۳۱

۱. طرح مسأله

شکی نیست که علی بن ابی طالب (ع) از کُتّاب و حفّاظ و قزّاء مشهور قرآن کریم و از یاران و شاگردان مخصوص پیامبر اکرم (ص) بوده، چنان که از زبان ایشان نقل شده است: «آیه‌ای بر پیامبر (ص) نازل نمی‌گشت، مگر آن‌که رسول خدا چگونگی خواندن آن را بر من می‌آموخت و املاء می‌کرد و من به خط خود آن را می‌نگاشتم» (صدوق، ۱۳۹۵ ش، ۱: ۲۸۴). از طرفی دیگر «کتابت قرآن» از موضوعاتی است که از صدر اسلام و با اهتمام رسول خدا (ص) و یاران وی مورد توجه قرار گرفته و از طرف قرآن‌پژوهان همواره مورد توجه بوده و نحوه جمع قرآن از موضوعات چالش‌انگیز تاریخی قرآن محسوب می‌گردد.

از طرفی در روایات و مستندات تاریخی پدیده‌ای به نام «مصحف علی (ع)» وجود دارد که بنا به تعبیر روایات ترتیب نزول آیات، به صورت «كَمَا أُنزِلَ اللَّهُ» گردآوری و ارائه شده است و این موضوع با توقیفی بودن چینش سور توسط رسول اکرم (ص) و چینشی که اکنون و همواره میان مسلمانان رایج بوده تعارض دارد.

در مقابل گروهی از محققان که با قطعیت تمام معتقدند مصحف علی (ع) بر بنیاد ترتیب نزول، گردآوری شده، گروهی دیگر از علماء قائل به توقیفی بودن چینش سور قرآن کریم (چینش فعلی سور) هستند؛ و با توجه به این‌که بسیاری از قرآن‌پژوهان معتقدند که ترتیب کنونی بر پایه نظر پیامبر (ص) بوده یا حداقل بخش عمده‌ای از آن در زمان حیات رسول اکرم (ص) چینش گردیده (نک: خویی، بی‌تا، ۳۲۱-۳۴۶)، در این‌جا این پرسش مطرح می‌گردد که چگونه حضرت علی (ع) می‌تواند برخلاف رسول اکرم (ص) آیات و سور قرآن را نه به ترتیب متعارف زمان پیامبر (ص)، بلکه به ترتیب نزول سوره‌ها در کنار یکدیگر قرار داده باشد؟ حال آنکه حتی خود امام در دوران خلافت و حکومتش این ترتیب را پیگیری نکرده و همچنین در هیچ یک از بیانات ائمه به چنین ترتیبی اشاره نشده است. ناگفته پیداست که التزام به چینش تنزیلی مصحف امام علی (ع) پیامدها و شبهات متعددی را در پی دارد؛ بدین معنا که چینش سوره‌های این مصحف به حسب و ترتیب نزول، مخالف سیره نبوی است و اگر حقیقتاً چینش تنزیلی دل‌خواه حضرت علی (ع) بود، چرا وی بر این چینش پافشاری نکرد و در برابر جمع قرآن توسط خلفا سکوت اختیار فرمود.

در ثانی تکیه بر این قول می‌تواند مستلزم اعتقاد به تحریف در قرآن کریم باشد، چرا که همان‌طور که بیان شد بنا به نظریه مشهور، سور قرآن تقریباً بر خلاف ترتیب

نزول و البته به دستور رسول اکرم (ص) و زیر نظر حضرتش گردآوری شده و چینش تنزیلی مصحف حضرت علی (ع) خلاف دستور و امر الهی، نوعی تحریف در چیدمان و تغییر در جایگاه سور قرآن توسط حضرت علی (ع) محسوب می‌گردد (نک: فیض کاشانی، ۱۳۷۷ش، ۱۳۰). بدین ترتیب، این دسته از اشکالات در نتیجه اعتقاد به چینش تنزیلی، دارای پیامدهای نامطلوبی است که در این جستار با غور در مستندات تاریخی و روایی بررسی و تحلیل خواهد شد.

در پاسخ به این شبهه و سوال، فرضیه‌های متعددی مطرح می‌گردد:

۱. روایات و مستندات تاریخی دال بر چینش سور قرآن کریم بر حسب نزول در مصحف علی (ع) قرین صحت بوده، ولی چینش فعلی و رایج سور، اجتهادی بوده و توسط صحابه و تابعین انجام پذیرفته است. بنابراین امیرالمومنین (ع) خلاف روش رسول اکرم (ص) به تنظیم سور نپرداخته است.

۲. با توجه به این‌که روایات ترتیب تنزیلی سور و آیات در مصحف امام علی (ع) غیر روشن و مجمل است با نظریه توقیفی بودن و نیز چینش قرآن کریم بر همین بنیاد و منوال فعلی، منافاتی ندارد پس دلیلی بر این‌که مصحف امام علی (ع) مطابق سیره رسول الله (ص) گردآوری نشده وجود ندارد.

۳. با دقت در روایات و مستندات تاریخی، نمی‌توان درباره نحوه چینش سور در مصحف امام علی (ع) با قطعیت سخن گفت و قدر متیقن در محتوای این مصحف، آن است که دارای اضافاتی به عنوان شأن نزول و تفسیر آیات قرآن بوده است.

۴. با توجه به تعبیری مانند «كَمَا أَمَرَنِي وَأَوْصَانِي»، «كَمَا أَنْزَلَهُ اللَّهُ»، «كَمَلًا مُّشْتَمِلًا عَلَى التَّأْوِيلِ، وَالتَّنْزِيلِ»، «كُلُّهُ ظَاهِرَةٌ وَبَاطِنَةٌ» و «لَمْ يَسْقُطْ عَلَى حَرْفٍ وَاحِدٍ» که در روایات آمده می‌توان به جای دیدگاه تدوین مصحف امام علی (ع) به ترتیب نزول، یکی از دو دیدگاه برداشت تأکیدی (بی‌کم و کاست بودن این مصحف) و برداشت تکمیلی (مشتمل بودن آن بر تفسیر و تأویل و سبب نزول) را ترجیح داد و پذیرفت.

موضوع مصحف امام علی (ع) مطمح نظر بسیاری از دانشمندان قرآن‌پژوه بوده و درباره آن، کتاب‌ها، مقالات و پژوهش‌های بسیاری به رشته تحریر درآمده است. از جمله مهمترین کتب در این باره می‌توان به کتاب «حقایق هامة حول القرآن الکریم» اثر سیدجعفر مرتضی عاملی، اشاره نمود. وی در فصل چهارم کتاب، سخن از چگونگی مصحف امام علی (ع) به میان آورده و با ارائه عین نصوص به شکلی منطقی، به شبهات پیرامون مصحف امام علی (ع) پاسخ داده است. این محقق بر این باور است که امام

علی (ع) در چینش مصحف مخالف رسول (ص) عمل نکرده‌اند، لکن ایشان ترتیب تمام سور قرآن فعلی را توقیفی نمی‌دانند و بر آن است که قرائت قرآن حسب تنزیله به معنای ادخال تفسیر و زیاده در قرآن است. در دیگر سو، نگاشته دکتر جعفر نکونام به نام پژوهشی در مصحف امام علی (ع) قرار دارد که مسأله توقیفی بودن ترتیب سوره‌های مصحف آن حضرت را بحث نموده و در فصل چهارم، آن را تشریح می‌نماید و با بیان ادله‌ای نتیجه می‌گیرد که ترتیب توقیفی و مورد تأیید پیامبر (ص) همان ترتیب مصحف حضرت علی (ع) است. مقاله‌ای دیگر از دکتر فقهی‌زاده و همکاران با عنوان «روابط برون سوره‌ای از دیدگاه علامه طباطبایی» (۱۳۹۲ش)، به صورت مسوط به مبحث چینش متن وحی و تناسب سوره‌ها بویژه از منظر علامه طباطبایی پرداخته است. بر پایه این مقاله، تفسیر المیزان چینش کنونی سوره‌های قرآن را اجتهادی دانسته و در برابر، ترتیب وحیانی قرآن را همان ترتیب نزول می‌داند.

در مقاله دکتر احمدعلی ناصح با عنوان «کاربرد روایات در اثبات چینش توقیفی آیات» (۱۳۸۱ش)، با استفاده از روایات، چینش وحیانی آیات به اثبات رسیده و راهی جز توقیفی بودن آیات طی نخواهد شد. در این مقاله با تکیه بر روایات مختلف، کیفیت چینش آیات و نیز تناسب آیات و سور مورد بحث قرار گرفته و با دسته‌بندی و تحلیل روایات به این مطلب رسیده است که چینش آیات توقیفی بوده است. مقاله‌ای دیگر با عنوان «نقد و بررسی روایات اهل سنت پیرامون مصحف امام علی» (۱۳۹۰ش) توسط مهدی عبادی منتشر شده به این نکته اشاره دارد که امام علی (ع) اولین گردآورنده قرآن کریم بعد از رحلت رسول خدا (ص) می‌باشد و این مصحف گران‌قدر از نظر اهل سنت در بردارنده تفسیر و احکام فراوانی است. مقاله «واکاوی روایات شیعی در ترتیب نزولی بودن مصحف امام علی (ع)» (۱۳۹۴ش) نوشته محمدعلی تجری و همکاران نیز درباره چگونگی تنظیم و ترتیب مصحف امام پژوهش شده و به این نتیجه رسیده است که باید دانش آن به اهل بیت واگذار شود. اما جستار پیش رو، به گستردگی درباره مصحف امام علی (ع) و کیفیت چینش آن سخن به میان آمده و با ارائه دو دیدگاه نوین مستفاد از روایات و مستندات تاریخی، سعی در بیان رهیافتی نو در این راستا است.

جالب توجه این‌که مقاله «نقد و بررسی آراء اهل سنت درباره ترتیب نزولی مصحف علی» از محدثه مقیمی نژاد و همکاران در مجله حدیث پژوهی نشان می‌دهد که روایات اهل سنت، دلالتی بر ترتیب نزولی مصحف امام علی (ع) ندارند. همچنین در مقاله‌ای به نام «مصحف امام علی» نوشته بهاء‌الدین خرمشاهی که در مجله بینات، سال هفتم،

شماره ۲۸ به چاپ رسیده است به طور اجمالی به منابعی که می‌توان جهت بررسی و تحقیقی عمیق‌تر درباره مصحف علی (ع) مراجعه نمود، اشاره شده است.

به رغم پیشینه این موضوع و پژوهش‌های فراوان انجام شده در زمینه مصحف امام علی (ع)، با وجود این‌که تنزیلی بودن مصحف علی (ع) و همچنین توقیفی بودن ساختار قرآن، طرفداران بسیاری دارد، ولی هیچ‌کدام از مقالات به شبهه «تعارض تنزیلی بودن مصحف علی (ع) و توقیفی بودن ساختار قرآن» و نیز «حل شبهه تخلف از سیره نبوی» نپرداخته‌اند. لذا نویسندگان در این پژوهش با نگاه نو و در عین حال حدیث‌پژوهانه، سعی در حل این تعارض و روشن‌گری بیشتر در باره این مصحف گرانقدر دارند.

۲. مفهوم‌شناسی

۱-۲. مصحف

مُصْحَف بر وزن مُفْعَل از ریشه «صحف» گرفته شده و به معنای چیزی است که در آن نوشته شود و جمع آن صَحَائِفُ و صُحُفٌ و صُحُفٌ (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ۹: ۱۸۶) و جامع نوشته‌های میان دو جلد است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ۲: ۹۷۱). درباره معنای دو واژه «المُصْحَفُ و المِصْحَفُ» می‌توان گفت چیزی که جامع اوراق نوشته شده باشد و در عین حال، مجلد هم باشد مصحف است. گویا در آن صحیفه‌ها جمع شده است. ازهری هم گفته است: مصحف را به این خاطر مصحف گویند که در آن جمع کرده شده یعنی جامع صحیفه‌های نوشته می‌باشد که مجلد هم باشد (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ۹: ۱۸۶). احمد بن فارس نیز درباره معنای این واژه تأکید می‌کند که صحف در اصل بر انبساط و گسترده شدن چیزی اطلاق شده و لذا صورتی را که باز و منبسط شود صحیفه گفته‌اند و به صفحه‌ای که در آن چیزی نوشته شود نیز صحیفه گویند و چون دفتر و کتاب، فضای باز برای کتابت دارد آن را صحیفه نامند (۱۳۹۹ش، ۳: ۳۳۴) برخی از لغویین نیز به همین نکته اشاره می‌کنند و قطعه‌ای از پوست یا کاغذ را که در آن چیزی می‌نویسند صحیفه می‌نامند (زمخشری، ۱۳۹۹ش، ۲۴۹).

صاحب کتاب التّحقیق با اجتهاد لغوی خویش معنای صحیفه و مصحف را چنین تبیین می‌کند: «صحیفه و مصحف در لغت به معنای بازبودن (انبساط) و یا فضا داشتن (تسطیح) برخی اشیاء برای نوشتن است، خواه آن شیء، فلز باشد یا پوست و یا کاغذ. و از آنجا که نوشت افزار در طی تاریخی تحول یافته است؛ چنان‌که از آغاز تاکنون خاک و گل، سنگ، مس، برگ، چوب و پوست درختان، پوست دباغی شده برخی از حیوانات به

ویژه آهو، گاو و شتر و همچنین کاغذ جهت نوشتن مورد استفاده قرار می‌گرفته است به عنوان مصحف و صحیفه بر تمامی این ابزارها چنان‌چه برای نوشتن مورد استفاده قرار گیرند اطلاق می‌شود» (مصطفوی، ۱۳۶۰ ش، ۶: ۲۲۷).

از این‌رو مصحف، ظرف خاصی نداشته و تنها به دسته‌ای از اوراق که برای نوشتن مورد استفاده قرار می‌گیرد اطلاق می‌شود و اگر از برخی کتاب‌های دینی پیش از قرآن با واژه صحف و مصحف یاد می‌شود به این دلیل است که مجموعه‌ای از الواح بوده که بیانات پیامبرانی چون ابراهیم (ع) و موسی (ع) در آن‌ها انعکاس یافته است (نک: الأعلی: ۱۸-۱۹) و بنا به دیدگاه لغویانی مانند طریحی می‌توان نتیجه گرفت که معنای واژه مصحف به معنای کتاب و مجموعه اوراق نوشته شده است که در یک مجلد یا بین دو جلد قرار می‌گیرد (نک: طریحی، ۱۳۷۵ ش، ۵: ۵۹؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ ق، ۸: ۱۱) و این لفظ بر قرآن نیز اطلاق شده ولی به هیچ دلیل تنها اختصاص به قرآن ندارد و بلکه عمومیت دارد؛ پس به هر کتاب و نوشته‌ای می‌توان لفظ «مصحف» را اطلاق کرد و اگر برخی مصحف را معنای قرآن انگاشته‌اند تنها از باب بیان مصداق است و مصدایق، انحصاری نیست (اظه‌ری مبارکپوری، ۱۳۸۴ ش، ۱۴).

۲-۲. جمع قرآن

تعبیر «جمع قرآن» به معنای مختلف متناسب با مقصود به کار رفته است. «جمع» معمولاً به معنای گردآوری و افزودن چیزی بر چیز دیگر ترجمه می‌شود (قرشی، ۱۳۷۷ ش، ۳: ۴۷). صاحب کتاب العین، «جمع» را مصدر دانسته و اسم جماعتی از مردم را جمع تعبیر کرده است (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق، ۱: ۲۳۹) و برخی نیز به معنای «جَمَعَ الشَّيْءَ عَنْ تَفْرِقَةٍ»؛ (چیزی را از تفرقه گردآورد) می‌دانند (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ ق، ۸: ۵۳). راغب اصفهانی نیز آن را به معنای نزدیک نمودن و پیوستن بعضی از چیزی به بعضی دیگر آن می‌داند (۱۴۱۲ ق، ۴۰۹).

می‌توان معنای اصطلاحی جمع قرآن را توسعه معنایی داده و شمول معنایی آن را گسترده‌تر تعریف نمود: «در اصطلاح تاریخی قرآن، «جمع» به حسب زمان و اقتضای کلام معنایی مختلفی را در بر می‌گیرد که در مراحل مختلف، این معنای را داشته است: ۱- جمع به معنی از بر کردن و به حافظه سپردن و از بر کردن است. از اینجا به آن دسته از صحابی که قرآن را از حفظ داشتند «حفاظ قرآن» یا «جَمَاعِ قرآن» و یا جامعان قرآن یعنی جمع‌کنندگان قرآن می‌گفتند. این مرحله

اول گردآوری قرآن است. ۲- گاهی جمع به معنی نوشتن بوده، منتها آیات به صورت پراکنده و متفرّق نوشته شده و در یک جلد جمع نشده و برخی از سوره‌ها نیز مرتب بوده است. این گام دوم گردآوری می‌شود. ۳- زمانی هم منظور از جمع و گردآوری، نوشتن قرآن در یک مجموعه با آیه‌ها و سوره‌های مرتب است. این مرحله سوم است که تا مدتی هم ادامه می‌یابد. ۴- وقتی هم به گردآوری یک متن و نصّ مرتب بر حسب قرائت متواتر، جمع یا گردآوری قرآن گفته‌اند و این درست مراحل چهار گانه‌ای است که بر تألیف و گردآوری آیات در یک مجموعه معین گذشته است» (نک: رامیار، ۱۳۶۹ش، ۲۱۲).

با عنایت به تصریح ارباب لغت و محققان قرآن‌پژوه بر امکان توسعه دایره مفهومی واژه جمع، انحصار معنای جمع قرآن به: «به خاطر سپردن» یا «مکتوب کردن» صحیح به نظر نمی‌رسد چرا که ترجیح بلا مرجّح بوده و می‌توان شمول معنایی واژه «جمع» را مراحل چهار گانه‌ای دانست که گردآوری، تألیف یا سامان‌دهی دقیق شکلی و ظاهری در یک مجموعه معین را دربر گیرد.

۳. توقیفی یا اجتهادی بودن چینش فعلی سوره‌های قرآن

چگونگی چینش و مکان و جایگاه هریک از سوره‌ها در قرآن دارای اهمیت فراوانی است چراکه سخن باری تعالی است و این موضوع در فهم و برداشت و رسیدن به مفاد جدی خدای سبحان کم اثر نخواهد بود. سوالی که در ذهن پرسشگر مخاطبان قرآن خطور می‌کند آن است که آیا خداوند حکیم هنگام نزول آیات قرآن و تعیین سوره‌ها، برنامه‌ای برای چینش هر کدام از سوره‌ها نداشت؟ به سخن دیگر آیا رسول اکرم (ص) در زمان حیات خود به جایگاه و نحوه چینش سوره در کنار یکدیگر اهتمام و توجه داشت یا این کار را به صحابه واگذار کرده بود؟ دو تعبیر «توقیفی» و «اجتهادی» بودن ترتیب سوره، یادآور این نکته مهم در گردآوری قرآن کریم است. درباره این مسئله سه دیدگاه مهم و پرطرفدار وجود دارد:

۱. چینش سوره توقیفی و مستند به پیامبر (ص) است؛

۲. اجتهادی و مستند به صحابه است؛

۳. در بخشی وحیانی و در بخشی دیگر اجتهادی است.

البته چیزی که برای ما در این پژوهش موضوعیت دارد رفع تعارض توقیفی بودن چینش سوره توسط رسول اکرم (ص) و مصحف امام علی (ع) است.

۳-۱. وحیانی و توقیفی بودن چینش فعلی قرآن، اصلی قرآنی

درباره نظام بخشی به سوره‌ها در قالب مصحف باید گفت بدون هیچ تردیدی آیه‌ها و سوره‌های قرآن مجید، ترتیبی دارد که مورد رضایت خداوند است و در لوح محفوظ ثابت بوده و بر پیامبرش نازل شده است. از سویی، خداوند متعال در آیات قرآن همه کلام خویش را یکپارچه می‌شمارد و با ضمیر اشاره مفرد به آن اشاره می‌کند: «هذا القرآن» (الانعام: ۱۹)، «هذا کتاب» (الانعام: ۱۵۵) و در هیچ جایی از کلام خود از قرآن با ضمیر جمع یا تعابیری مانند: «هؤلاء السور»، «هذه السور» یاد نمی‌کند و این مطلب درباره کتاب الهی، چنان بارز بوده که مردم هم عصر با نزول قرآن هم، چنین تلقی از قرآن داشته و چنین به زبان می‌آورده‌اند: «وَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ» (الزخرف: ۲). این آیات نشان می‌دهد، قرآن یک کتاب منسجم و واحد است نه جمع پراکنده‌ای از سورا! «كِتَابٍ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ» (البقره: ۸۹)؛ یعنی تعبیر کتاب در قرآن دلالت بر مجموعه آیات و سوره می‌کند و این دسته از تعابیر نگاه جامع به قرآن دارد. (نک: محقق نهایندی، ۱۳۸۶ش، ۱: ۱۲).

آیه‌الله خویی در این زمینه تصریح می‌کند: در حدیث ثقلین: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ فَتَمَسَّكُوا بِهِمَا فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ»، از قرآن کریم به «کتاب» تعبیر شده است و از این نام‌گذاری استفاده می‌شود که در دوران رسول اکرم (ص) قرآن، جمع‌آوری شده و به صورت یک کتاب تدوین یافته بوده است زیرا اگر چنین نبود به آیات پراکنده در سینه‌ها و تخته‌پاره‌ها و اوراق پراکنده و استخوان‌های کتف حیوانات کتاب گفته نمی‌شود مگر به صورت مجاز» (خویی، بی‌تا، ۳۳۸). از دیگر سو مقابل این نظر، تنظیم و نگارش قرآن به صورت کنونی در یک زمان صورت نگرفته، بلکه به مرور زمان و به دست افراد مختلف انجام شده است؛ ترتیب، نظم و عدد آیات در هر سوره، در زمان حیات پیامبر (ص) و با دستور آن حضرت انجام شده و توقیفی است و باید آن را تعبداً پذیرفت. هر سوره با فرود آمدن «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز می‌شد و آیات به ترتیب نزول در آن ثبت می‌گردید. ولی نظم و ترتیب سوره‌ها بعد از رحلت آن حضرت انجام گرفته است. از جمله کسانی که این نظریه را پذیرفته‌اند محقق معاصر آیت‌الله معرفت می‌باشد. (نک: معرفت، ۱۴۱۵ق، ۱: ۲۷۲-۲۸۲).

باید توجه داشت، خلط مبحثی که در بین طرفداران جمع قرآن پس از پیامبر اکرم (ص) واقع شده، این است که ظاهراً ایشان جمع قرآن از نوشت افزارهای پراکنده بین الدفتین را با ترتیب یافتن سوره‌ها در زمان پیامبر اکرم (ص) یکی در نظر گرفته‌اند.

حقیقت این است که سوره‌ها در زمان حیات پیامبر (ص) به همین شکل فعلی یا ترتیبی بسیار نزدیک به آن - مثلاً با جابجایی یکی دو سوره با سوره هم‌جوار - مرتب شد - حال یا به دستور پیامبر (ص) یا در مرأی و منظر ایشان - و پذیرش این که پیامبر (ص) به ترتیب یافتن سوره‌ها (و نه قرار گرفتن بین الدفتین) توجه نداشته باشند، برای کسی که با تاریخ اجمالی نزول سوره‌ها و زندگی پیامبر (ص) و فضای حاکم بر مدینه آشنایی داشته باشد، در حکم پذیرش شبهه محال است. با این تقریر اطلاق «کتاب الله» در آیات شریفه و روایات متواتره بر این مجموعه مرتب و منظم، به خوبی گویای آن است که نظم ترتیب و تألیف آن از سوی خداوند تبارک و تعالی است و تمامی این موارد ما را به یقین می‌رساند که ترتیب سور، به خواسته و میل صحابه و سلف نبوده بلکه مجری گردآوری قرآن، وحی الهی و اشاره رسولش بوده است. دیگر آن که معارف اسلام، به عنوان آخرین شریعت الهی و ناسخ همه شرایع پیشین می‌بایست از گزند و آسیب معاندین در امان بماند. بنابراین هیچ‌گاه نمی‌توان پذیرفت که رسول اکرم (ص) فقط به حفظ قرآن در سینه مردم بسنده کرده و کتاب خدا را به صورت نامنظم رها ساخته باشد. لاجرم رسول اکرم (ص) به عنوان عقل کل و کل عقل به چینش و گردآوری قرآن در زمان حیات خویش اهتمام جدی ورزیده و قرآن را در زمان حیات خویش گردآوری نموده است.

به تعبیر یکی از محققان: «در میان عقلای عالم، رسم بر این است که وقتی کتابی می‌نویسند، به ساختار و ترتیب مطالب آن به مانند الفاظ و محتوای کتاب و ساختار کتاب، اهمیت می‌دهند و هیچ‌گاه مؤلفی، چیزی را به عنوان یک کتاب و تألیف منتشر نکرده است، الا این که نظم و ترتیب اجزا و فصول آن را نیز مشخص کرده باشد. این بدین خاطر است که نظم و ترتیب اجزا و فصول یک کتاب جز جدانشدنی آن بوده و کتابی بدون نظم خاص برای اجزا و فصول آن قابل تصور نیست. اگر عرف عقلای عالم چنین حکم می‌کنند که نظم اجزا و فصول یک کتاب، جزء جدانشدنی آن بوده و پدیدآورنده این نظم نیز همان نویسنده کتاب است، پس همین قانون به عنوان اصل اولیه درباره قرآن نیز جاری است، الا این که بنای خدا در چینش فصول کتابش چیزی خلاف عرف عقلای عالم باشد، که در این صورت باید آن را برای آدمی که کتاب را برای او فرستاده، بیان کند تا او دچار اشتباه در درک و فهم قرآن نشود» (برزگر، ۱۳۹۷ ش، ۴۵).

۲-۳. نظر اندیشمندان پیرامون دلالت روایات بر جمع و ترتیب قرآن در زمان رسول اکرم (ص) بسیاری بر این باورند که ترتیب کنونی سوره‌های قرآن به ارشاد پیامبر (ص) می‌باشد و این ترتیب در زمان ایشان وجود داشته است. از جمله این افراد، ابن انباری، کرمانی، سیدمرتضی و شیخ صدوق می‌باشند؛ ابن انباری در کتاب «الرد علی (ع) من خالف مصحف عثمان» می‌نویسد: «خداوند همه قرآن را تماماً بر آسمان دنیا نازل کرد و سپس آن را در مدت بیست و اندی سال به صورت پراکنده فرو فرستاد و جبرئیل، پیامبرش را بر جایگاه آیه‌ها و سوره‌ها آگاه می‌ساخت؛ بنابراین چینش و گردآوری سوره‌ها مانند گردآوری آیات و حروف است که تمامی آن از سوی پیامبر (ص) است. بنابراین اگر کسی سوره‌ها را پس و پیش کند در نظم قرآن خلل وارد ساخته و مانند کسی است که نظم آیات و کلمات را بر هم زده باشد» (به نقل از سیوطی، ۱۴۲۱ق، ۱: ۲۱۷؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش، ۱: ۶۰).

کرمانی در «البرهان» می‌نویسد: «ترتیب سوره‌ها بدین گونه که هست در نزد خداوند و در لوح محفوظ نیز همین گونه است و رسول خدا (ص) بر همین ترتیب آنچه را از قرآن جمع گشته بود، هر ساله بر جبرئیل عرضه می‌کرد و در سالی که در آن وفات یافت دوبار قرآن را بر جبرئیل عرضه کرد و آخرین آیه‌ای که نازل شد «وَ اتَّقُوا یَوْمًا تُرْجَعُونَ فِیهِ اِلَی اللّٰهِ» بود که به اشاره جبرئیل، پیامبر (ص) آن را میان دو آیه ربا و دین قرار داد» (به نقل از سیوطی، ۱۴۲۱ق، ۱: ۲۱۷).

بنا بر گفته آلوسی این سخنی است که از جماعت بسیاری گزارش شده است (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۱: ۲۵). از دیگر کسانی که قائل به توقیفی بودن ترتیب سور هستند، ابوجعفر نحّاس، ابن حصّار و ابن حجر را می‌توان نام برد (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ۱: ۲۱۸-۲۱۹). از دانشمندان متأخر و معاصر اهل سنت نیز بسیاری بر این باورند که ترتیب سور، توقیفی است، از جمله: آلوسی، زرقانی و صبحی صالح (نک: خرقانی، ۱۳۷۸ش، ۹). از علمای امامیه، سید مرتضی اظهار می‌دارد: «تمامی قرآن در زمان رسول اکرم (ص) آموزش داده می‌شد و حفظ می‌گردید و گروهی از صحابه مانند عبدالله بن مسعود و ابی‌بن کعب و غیر آن دو، قرآن را در حضور پیامبر (ص) چندین بار ختم کردند، و تمامی این‌ها با اندک تأملی دلالت بر این دارد که قرآن گردآوری شده و مرتب بوده، نه پراکنده و از هم گسسته» (به نقل از معرفت، ۱۴۱۵ق، ۱: ۲۸۳). به جز سید مرتضی، دانشمندان شیعی بسیاری، چه در گذشته و چه در حال، بر جمع قرآن در زمان پیامبر (ص) تأکید کرده‌اند از جمله: صدوق، طبرسی، فتح‌الله کاشانی، سید ابن طاووس، شیخ حرعاملی،

علامه شرف الدین، آیه‌الله خویی، محمدتقی شریعتی، علامه سیدمرتضی عسکری، آیه‌الله حسن زاده آملی، دکتر محمدحسین علی الصغیر و علی کورانی (نک: خرقانی، ۱۳۷۸ش، ۹).

با تأمل در جدول زیر شهرت توقیفی بودن چینش فعلی قرآن نزد محققان مشهود است:

جدول ۱ (قائلان فریقین به توقیفی بودن چینش فعلی سور قرآن)

<p>۱. ابن انباری در کتاب الرد علی من خالف مصحف عثمان (به نقل از: سیوطی، ۱۴۲۱ق، ۱: ۲۱۷؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش، ۱: ۶۰).</p> <p>۲. کرمانی در کتاب البرهان (به نقل از سیوطی، ۱۴۲۱ق، ۱: ۲۱۷).</p> <p>۳. باقلانی (به نقل از: ابنعاشور، بی تا، ۱: ۸۶).</p> <p>۴. ابوجعفر نحّاس، ابن حصّار و ابن حجر (به نقل از: سیوطی، ۱۴۲۱ق، ۱: ۲۱۸-۲۱۹).</p> <p>۵. سیدمحمود آلوسی در کتاب تفسیر روح المعانی (۱۴۱۵ق، ۱: ۲۵).</p> <p>۶. زرقانی در کتاب مناهل العرفان (بی تا، ۱: ۲۳۹-۲۴۰).</p> <p>۷. صبحی صالح در کتاب مباحث فی علوم القرآن (۱۳۷۲ش، ۷۰-۷۱).</p>	<p>اهل سنت</p>
<p>۱. سید مرتضی (به نقل از: طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۱: ۱۵؛ معرفت، ۱۴۲۸ق، ۱: ۲۸۳).</p> <p>۲. شیخ صدوق در کتاب اعتقادات (۱۳۷۱ش، ۸۲).</p> <p>۳. طبرسی در کتاب مجمع البیان فی تفسیر القرآن (۱۳۷۲ش، ۱: ۱۳).</p> <p>۴. فتح الله کاشانی در کتاب منهج الصادقین (۱۳۳۶ش، ۱: ۱۳).</p> <p>۵. سید ابن طاووس در کتاب سعد السعود (۱۳۶۹ش، ۳۹-۴۰).</p> <p>۶. شیخ حر عاملی در کتاب الفصول المهمه (به نقل از: ابن صباغ، بی تا، ۱۶۶).</p> <p>۷. علامه شرف الدین در کتاب اجوبه مسائل موسی جار الله (۱۴۱۶ق، ۳۹-۴۰).</p> <p>۸. آیه الله موسوی خوئی (نک: بی تا، ۲۳۹-۲۵۹).</p> <p>۹. محمدتقی شریعتی در کتاب تفسیر نوین (۱۳۹۱ش، ۱۶).</p> <p>۱۰. آیه الله حسنزاده آملی در کتاب قرآن هرگز تحریف نشده (۱۳۷۶ش، ۲۶).</p> <p>۱۱. علی کورانی در کتاب گردآوری القرآن (۱۴۱۸ق، ۲۳۱).</p>	<p>شیعه</p>

۳-۳. دیدگاه چینش تزیلی مصحف امام علی (ع)

اصل وجود مصحف امام علی (ع) جزء مسلمات بوده و شک و بحثی در آن نیست؛ چنان که منابع معتبر و دانشمندان فریقین بر وجود چنین مصحفی صحه گذاشته‌اند (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ۱: ۲۵۷؛ ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۲: ۲۵۷-۲۵۸). ولی ترتیب سور و نحوه چینش و محتوای این مصحف، مورد بحث و گفتگوی محققان علوم قرآنی است. شیخ مفید در کتاب «المسائل السرویه» تلویحاً به این موضوع اشاره کرده و می‌نویسد: در مصحف علی (ع)، مکی بر مدنی تقدیم شده و نیز منسوخ بر ناسخ مقدم گشته و هر چیزی از آن در جای حقیقی خود نهاده است (مفید، ۱۴۱۳ق، ۷۹). از این جزی نیز چنین نقل شده است که امام علی (ع) قرآن را بر پایه ترتیب نزول گردآوری کرد (ابن جزی، ۱۴۱۶ق، ۱: ۱۳). این قول رواج بسیاری در میان اندیشمندان فریقین داشته به طوری که در عصر حاضر نیز قائلانی به این مسئله وجود دارند و این مطلب تلقی به قبول شده است (موسوی خوئی، بی تا، ۲۲۳).

جدول ۲ (معتقدان به نزولی بودن ترتیب مصحف امام علی (ع) از شیعه)

متقدمین	۱. شیخ مفید در کتاب المسائل السرویه (۱۴۱۳ق، ۷۹).
متأخرین	۱. علامه مجلسی در کتاب بحارالانوار (۱۴۰۳ق، ۷۴: ۸۹). و نیز در کتاب مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول (۱۴۰۴ق، ۳۱: ۳).
معاصرین	۱. ابو عبدالله زنجانی در کتاب تاریخی القرآن (۱۴۰۴ق، ۵۴). ۲. علامه بلاغی نجفی در کتاب آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن (۱۴۲۰ق، ۱: ۱۸). ۳. علامه طباطبایی در کتاب تفسیر المیزان (۱۴۱۷ق، ۱۲: ۱۲۶). ۴. آیه الله موسوی خوئی در کتاب البیان فی تفسیر القرآن (بی تا، ۲۲۳). ۵. استاد معرفت در کتاب التمهید فی علوم القرآن (۱۴۱۵ق، ۱: ۲۹۲). ۶. سید جعفر مرتضی عاملی در کتاب «حقایق هامه حول القرآن الکریم» (۱۴۱۳ق، ۱۶۰). ۷. محمود رامیار در کتاب تاریخی قرآن (۱۳۶۹ش، ۳۷۱). ۸. سید محمد باقر حجتی در کتاب پژوهشی در تاریخی قرآن کریم (۱۳۷۲ش، ۳۹۰). ۹. مهدی بازگان در کتاب سیر تحول قرآن (۱۳۸۵ش، ۱: ۳۶). ۱۰. جعفر نکونام در مقاله بررسی جدیدترین نظریه درباره ترتیب نزول آیات (۱۳۸۶ش، ۲: ۲۰-۳۵).

جدول ۳ (معتقدان به نزولی بودن ترتیب مصحف امام علی از اهل سنت)

علمای قرن نهم	۱. ابن جزی در کتاب «التسهیل لعلوم التنزیل» (۱۴۱۶ق، ۱: ۱۳). ۲. ابن خطیب در کتاب «الفرقان جمع القرآن وگردآوری هجائه و رسمه تلاوته وقرائاته وجوب ترجمته و اذاعته» (بی تا، ۴۷). ۳. ابن حجر عسقلانی (۱۳۷۹ش، ۹: ۴۲).
قرن چهارم	این باور به ابن فارس نیز منسوب است به نقل از (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ۱: ۲۲۰).
قرون معاصر	علمای اهل سنت عصر ما در این زمینه، اغلب به نقل از علمای متقدم خویش پرداخته اند مانند: (نک: صابر، ۱۴۲۰ق، ۶۷ به نقل از ابن فارس؛ رافعی، ۱۴۲۱ق، ۳۰ به نقل از ابن فارس). برخی از معاصرین نیز به تکرار الفاظ بدون ذکر منبع اکتفا کرده اند مانند (نک: زرقانی، ۱۴۱۵ق، ۱: ۳۴۶).

برخی نیز درباره محتوا و چینش مصحف امام سکوت پیشه کرده اند.

جدول ۴ (معتقدان به تنزیلی نبودن مصحف حضرت علی (ع) و کسانی که در این موضوع سکوت کرده اند)

متقدمین	شیخ صدوق در کتاب اعتقادات امامیه (۱۴۱۴ق، ۸۶).
متأخرین	۱. فرشچیان در کتاب امام علی و مبانی علوم قرآنی (۱۳۸۷ش، ۸۲). ۲. ایازی در کتاب مصحف امام علی (۱۳۸۰ش، ۸۷). ۳. ناصحیان در مقاله مصحف امام علی از منظر احادیث (۱۳۸۹ش، ۸۲). ۴. استاد مهدوی راد در مقاله میراث مکتوب علوی (۱۳۸۴ش، ۱۰۰). ۵. تجری و همکاران در مقاله واکاوی روایات شیعی درباره تنزیلی بودن مصحف امام علی (۱۳۹۴ش، ۸). ۶. آیت الله خویی در کتاب البیان فی تفسیر القرآن (بی تا، ۳۰۴).

۳-۳-۱. استدلال موافقان چینش تنزیلی مصحف امام علی (ع)

اندیشمندان قرآنی با تمسک به روایاتی به چینش تنزیلی مصحف امام علی (ع) معتقد شده‌اند؛ به سخن دیگر، ایشان از تعبیر «كَمَا أَنْزَلَهُ اللَّهُ» و «كَمَا أَنْزَلَ» این‌گونه برداشت کرده‌اند که مصحف امام علی (ع) بر بنیاد همان ترتیبی است که قرآن به آن ترتیب نازل شده است (بهجت‌پور، ۱۳۹۲ش، ۱۰۱). البته برخی به روشنی بر این نظر تکیه نکرده‌اند بلکه به صورت غیر مستقیم تعبیر «كَمَا أَنْزَلَهُ اللَّهُ» را بر بنیاد ترتیب نزول معنا نموده‌اند (رامیار، ۱۳۶۹ش، ۳۷۱). در روایت دیگری تعبیری صریح‌تر نسبت به روایات قبل وجود دارد به طوری که سعید بن مسیب از امیرالمومنین (ع) نقل کرده است: «سَأَلْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنْ ثَوَابِ الْقُرْآنِ فَأَخْبَرَنِي بِثَوَابِ سُورَةِ سُورَةٍ عَلَى نَحْوِ مَا نَزَلَتْ مِنَ السَّمَاءِ وَسَاقَ الْحَدِيثِ إِلَى أَنْ عَدَّ سُورَةَ هَلْ أَتَى فِي السُّورِ الْمَدَنِيَّةِ بَعْدَ إِحْدَى عَشْرَةَ سُورَةً.» (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۱۰: ۲۷؛ جفری، ۱۳۹۲ش، ۱۴) و ترتیب نزول را به راحتی از این تعبیر استفاده کرده‌اند (نکونام، ۱۳۸۲ش، ۱۵۳) و تعبیر «کما نزل» قدر متیقن به معنای «ترتیب به حسب نزول» است (تجری و همکاران، ۱۳۹۴ش، ۷).

۳-۳-۱-۱. نقد استدلال

در نقد این استدلال می‌توان از تعبیر «كَمَا أَنْزَلَهُ اللَّهُ» و «كَمَا أَنْزَلَ» معانی دیگری را استفاده کرد. در این قسمت، تمامی برداشت‌های دیگر از این دو تعبیر را مرور می‌کنیم:

۱. یکی از ناقدان تعبیر «کما انزل» در این دسته از روایات را به معنای «وجود تمامی آیات الهی بی کم و کاست» دانسته و به روایات دیگری اشاره می‌کند که امیرالمومنین درباره مصحف می‌فرماید: «هَذَا كِتَابُ رَبِّكُمْ كَمَا أَنْزَلَ عَلَيَّ نَبِيِّكُمْ، لَمْ يَزِدْ فِيهِ حَرْفٌ وَ لَمْ يَنْقُصْ مِنْهُ حَرْفٌ» (صدوق، ۱۴۱۴ق، ۸۶). وی عبارت «لم يزد فيه حرف و لم ينقص فيه حرف» را در این داستان به معنای تمام آیات قرآن بی کم و کاست برداشت نموده است (فرشچیان، ۱۳۸۷ش، ۸۲). ناقد دیگری چنین می‌نویسد: آن‌گونه نازل شدن الزاماً به معنای ترتیب نیست. آن‌گونه نازل شدن به قرائت در ضبط کلمات و رعایت گویش آن هم می‌تواند معنا بدهد (ایازی، ۱۳۸۰ش، ۸۷).

۲. مصحف امام علی (ع) از تمام جهات مطابق با قرآنی بود که خدای تعالی بر پیامبر (ص) نازل کرد و خطای املائی نداشت (ناصحیان، ۱۳۸۹ش، ۸۲).

۳. استاد مهدوی‌راد دو احتمال دیگر را از تعبیر «كَمَا أَنْزَلَهُ اللَّهُ» یادآوری می‌کند:

۱- مفاد عبارت این است که علی (ع) قرآن را به ترتیب نزول سامان داده است؛
 ۲- علی (ع) قرآن را براساس تمام آنچه به وحی الهی بر پیامبر (ص) نازل شده است، سامان داده است؛ یعنی آنچه آیات الهی و قرآنی-و حیانی است و چهره ماندناپذیر و اعجازآمیز دارد و آنچه به صورت تفسیر، تأویل و تبیین این آیات نازل شده بوده است (مهدوی‌راد، ۱۳۸۴ش، ۱۰۰).

۴. محقق دیگری این چنین تحلیل می‌کند: «باید نوعی توسعه معنایی برای عبارات «کتاب الله» و «قرآن» که در این روایات آمده است، قائل شد و آن‌ها را عبارت از الفاظ وحی و تفسیر و بیان آن‌ها به صورت جداگانه دانست؛ یعنی چون در داستان آمده است که حضرت علی (ع) قرآن را براساس آنچه خدا نازل کرده، جمع کرده است، به بیان دیگر، هم قرآن ملفوظ و هم قرآنی را که به راستی تفسیر قرآن ملفوظ بوده است، بر بنیاد آنچه خدا نازل کرده، جمع کرده است» (تجری و همکاران، ۱۳۹۴ش، ۸).

۴. بررسی چینش مصحف امیرمؤمنان (ع) بر اساس متن روایات و شواهد تاریخی

بنا به تتبع جامعی که صورت گرفته حدود چهل روایت در این باب از منابع فریقین به دست آمد که طرفداران تنزیلی بودن مصحف علی (ع) با نگاه بدوی به آن‌ها، حکم به ترتیب تنزیلی آن داده‌اند. از این‌رو در این بخش با حذف روایات مشابه و تکراری به گزارش و بررسی دلالتی مهمترین روایات و شواهد تاریخی چینش مصحف امیرمؤمنان (ع) می‌پردازیم:

۴-۱. گزارش روایات و بررسی یکایک آن‌ها

روایت و گزارش نخست

امام صادق (ع) فرمود: «أُخْرِجَهُ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى النَّاسِ حِينَ فَرَغَ مِنْهُ وَكَتَبَهُ فَقَالَ لَهُمْ هَذَا كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ كَمَا أَنْزَلَهُ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» (صنفار، ۱۴۰۴ق، ۱: ۲۴۶؛ کلینی، ۲: ۶۳۳). حضرت علی (ع) چون از نگارش و تدوین قرآن فارغ گردید آن را به مردم عرضه کرد و فرمود: این کتاب خداست همان‌گونه که بر محمد فرو فرستاده شده است.

بررسی

با وجود این که می‌توان از این داستان جمع قرآن بر بنیاد نزول را استنباط کرد ولی از طرفی این گزارش دلالت صریحی بر چینش تنزیلی مصحف امیرالمؤمنین ندارد. ثانیاً

تعبیر «کما انزله الله» می‌تواند حاوی معنای دیگر باشد، چنان‌که در روایت پنجم تعبیر «ظاهره و باطنه» بر این موضوع دلالت بیشتری دارد. روایت نخست دلالت دارد که این مصحف بی‌کم و کاست، گردآوری گشته، همان‌طور که خدا بی‌کم و کاست قرآن را بر پیامبرش نازل کرد؛ چرا که در تعبیر «کما انزله الله» ضمیر «ه» به کتاب برمی‌گردد و کتاب نیز به معنای؛ مجموعه قوانین و حدود و شریعت است و آنچه که امیرالمؤمنین (ع) جمع کرده، علاوه بر الفاظ وحی، دربردارنده اضافاتی است که مرتبط با قوانین شریعت اسلام و در مقام تشریح و تبیین آن و متناسب با مفهوم کتاب است.

روایت و گزارش دوم

از امام علی (ع) نقل شده است که در توصیف مصحف خود چنین گفته‌اند: «قال علی: كَمَا أَمَرَنِي وَ أَوْصَانِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كَمَا أُنزِلَ؛ این کتاب خداست که من آن را تألیف کرده‌ام، بنا بر امر و وصیت پیامبر اکرم (ص) و همان‌گونه که نازل شده است» (مجلسی، بی‌تا، ۲۸: ۳۸).

بررسی

این گزارش به دستور و وصیت رسول اکرم (ص) به امیرالمؤمنین (ع) برای تألیف قرآن اشاره می‌کند، پس می‌تواند در مقام مبین و شارح و مکمل روایت پیشین دانسته شود و آن را تا حدی از اجمال خارج کند. به سخن دیگر، گردآوری مصحف امام علی (ع) بر بنیاد «مَا أَنْزَلَ اللَّهُ» هماهنگ و منطبق بر فرمان پیامبر (ص) است؛ «كَمَا أَمَرَنِي وَ أَوْصَانِي رَسُولُ اللَّهِ» و حداقل می‌توان گفت امیرالمؤمنین (ع) مطابق امر رسول اکرم (ص) کتاب الله، را تألیف و گردآوری نمود به همان شکل و قالبی که رسول اکرم (ص) گردآوری فرمود. همچنین از این روایت معلوم می‌شود حضرت علی (ع) از فرمایش رسول اکرم (ص) تبعیت نموده و هر آنچه بر حضرتش نازل شده سامان داده، نه این‌که مصحف آن حضرت، موافق ترتیب نزول بوده است. از طرفی این روایت می‌تواند محتمل معنای دیگری مانند گردآوری بی‌کم و کاست باشد؛ چراکه حضرت علی (ع) در مقام امثال امر رسول الله (ص) بوده و گردآوری بی‌کم و کاست به نوعی تبعیت از توصیه رسول اکرم (ص) محسوب می‌شود.

روایت و گزارش سوم

در روایتی امام علی (ع) فرمودند: «إِنِّي لَم أَزَلْ مُسْتَعِلًّا بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ

ه وَ آلهِ بِغُسْلِهِ وَ كَفْنِهِ وَ دَفْنِهِ ثُمَّ اسْتَعَلْتُ بِكِتَابِ اللَّهِ حَتَّى جَمَعْتُهُ فَهَذَا كِتَابُ اللَّهِ عِنْدِي مَجْمُوعاً لَمْ يَسْقُطْ عَنِّي حَرْفٌ وَاحِدٌ ... إِنَّ كُلَّ آيَةٍ أَنْزَلَهَا اللَّهُ جَلَّ وَ عَلَاً عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ عِنْدِي بِإِمْلَاءِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ خَطَّ يَدِي وَ تَأْوِيلَ كُلِّ آيَةٍ أَنْزَلَهَا اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ كُلِّ حَلَالٍ وَ حَرَامٍ أَوْ حَدٍّ أَوْ حُكْمٍ أَوْ شَيْءٍ تَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْأُمَّةُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَكْتُوبٌ بِإِمْلَاءِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ خَطَّ يَدِي حَتَّى أَزْشِ الْخَدَشِ» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ۱: ۱۵۳). همانا من بعد از فوت پیامبر اکرم (ص) به غسل، خاک‌سپاری ایشان مشغول بودم و سپس به کتاب الهی پرداختم تا آن را جمع کنم. پس این کتاب خداست که در نزد من است و حتی یک حرف از آن کم نشده است. همانا هر آیه‌ای که بر محمد (ص) نازل شده با املاء ایشان و دست خط من در نزد من است و همچنین تأویل همه آیات و همه حلال و حرام‌ها یا حد یا حکم یا هر چیزی که امت تا روز قیامت بدان محتاج است حتی دیه خراش، نیز به املاء ایشان و دست خط خودم در نزد من موجود است.

بررسی

این گزارش بعد از شرح اقدامات امام علی (ع) پس از رحلت پیامبر (ص)، بویژه با تعبیر «مَجْمُوعاً لَمْ يَسْقُطْ عَلَيَّ حَرْفٍ وَاحِدٍ» مُشعر به این نکته است که هیچ نقصانی در گردآوری مصحف امام علی (ع) رخ نداده است. ضمناً جامعیت محتوایی و تفسیری آن را مورد تأکید قرار می‌دهد و هرگز اشاره‌ای به ترتیب گردآوری آن ندارد.

روایت و گزارش چهارم

در احتجاج و استدلال امیرالمومنین (ع) با زندیق یا مردی که منکر خدا بود آمده است: «كَمَلًا مُشْتَمِلًا عَلَى التَّوِيلِ، وَ التَّنْزِيلِ، وَ الْمُحْكَمِ وَ الْمُتَشَابِهِ، وَ النَّاسِخِ وَ الْمَنْسُوخِ وَ لَمْ يَسْقُطْ مِنْهُ حَرْفٌ أَلِفٌ وَ لَا لَامٌ، فَلَمْ يَقْبَلُوا ذَلِكَ» (مجلسی، بی‌تا، ۹۳: ۳۹۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ۱۱)؛ آن حضرت کتاب خدا را کامل آورد که در بردارنده تأویل و تنزیل و محکم و متشابه و ناسخ و منسوخ بود و حتی به اندازه حرف الف یا لام از آن ساقط نشده بود، ولی مردم آن را نپذیرفتند.

بررسی

اولاً این روایت، هیچ تصریحی بر چینش تنزیلی مصحف امام علی (ع) ندارد. ثانیاً اشاره به مجموعه تأویل و تنزیل و ناسخ و منسوخ قرآن دارد که تعبیر دیگری از جامعیت مصحف امام و کامل بودن آن از حیث مفهوم و تفسیر است. به عبارت دیگر آنچه از

این گزارش استفاده می‌شود آن است که مصحف امیرالمومنین (ع) در کنار لفظ آیات، در بردارنده اضافاتی به صورت بیان نسخ و تشابه یا تأویل آیات بوده و این که با دقت تمام و بدون هیچ نقصی، گردآوری شده است. همچنین روشن است که مشتمل بودن بر ناسخ و منسوخ، دلالت صریحی بر مرتب نمودن آن‌ها به طوری که منسوخ، مقدم بر ناسخ باشد ندارد.

روایت و گزارش پنجم

مرحوم کلینی با اسناد خود از جابر بن عبدالله انصاری و او هم از امام باقر (ع) روایت می‌کند که فرمود: «مَا يَسْتَطِيعُ أَحَدٌ أَنْ يَدَّعِيَ أَنَّهُ جَمَعَ الْقُرْآنَ كُلَّهُ ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً غَيْرَ الْأَوْصِيَاءِ» (کلینی، بی‌تا، ۲: ۲۲۸)؛ احدی نمی‌تواند ادعا کند که همه قرآن از ظاهر و باطن نزد اوست، جز اوصیاء (امامان معصوم).

بررسی

این گزارش مفهومی فراگیر، شامل همه آنچه ائمه در جمع و گردآوری قرآن فراهم آورده‌اند دارد، ولی بیش از هر چیز مفهوم جامعیت مصحف امام از آن برمی‌آید. مطلب دیگر این است که این روایت حتی اشاره‌ای به چینش تزیلی مصحف حضرت ندارد. از تعبیر «ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً»، می‌توان فهمید که همه معارف قرآن، نزد ائمه (ع) است که به عنوان ودایع امامت در اختیار آنان قرار گرفته و جزء دانش آنان محسوب می‌شود و انسان‌های دیگر، اجازه و امکان دسترسی به آن را ندارند.

روایت و گزارش ششم

کلینی با اسناد خود از جابر روایت کرده که از امام باقر (ع) شنیدم که می‌فرمود: «مَا ادَّعَى أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ يَقُولُ أَنَّهُ جَمَعَ الْقُرْآنَ كُلَّهُ كَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَّا كَذَابٌ وَ مَا جَمَعَهُ وَ مَا حَفَظَهُ كَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَّا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ الْأَئِمَّةُ مِنْ بَعْدِهِ» (کلینی، بی‌تا، ۱: ۲۲۸)؛ هیچکس ادعا نمی‌کند که همه قرآن را، چنان که نازل شده است جمع کرده، مگر دروغ‌گو، و قرآن را آن چنان که خدای تعالی نازل فرموده، احدی جز علی بن ابی‌طالب و امامان معصوم (ع) پس از او جمع و نگه‌داری نکرده‌اند.

بررسی

با توجه به عبارات این روایت می‌توان تعبیر «ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً» در روایت سابق را تفسیر و معنا نمود چراکه این روایت، مشعر به این نکته است که آنچه حضرت علی (ع) جمع

نموده، جامع و کامل بوده و هیچ کس نمی تواند ادعا کند که مانند ایشان می تواند همه آنچه که بر پیامبر (ص) نازل شده را گردآوری کند. بنابراین مصحف امام علی (ع)، ظاهر و باطن آیات قرآن را شامل می شده است و این همان معنای جامعیت مصحف حضرت است که شامل تفسیر و شأن نزول آیات نیز می گردد.

روایت و گزارش هفتم

از امام حسن (ع) نقل شده است که فرمود: «إِنَّ الْعِلْمَ فِينَا وَ نَحْنُ أَهْلُهُ وَ هُوَ عِنْدَنَا مَجْمُوعٌ كُلُّهُ بِحَدِّافِيرِهِ وَ إِنَّهُ لَا يَحْدُثُ شَيْءٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ حَتَّى أَرشِ الْخَدشِ إِلَّا وَ هُوَ عِنْدَنَا مَكْتُوبٌ بِأَمَلَاءِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَ خَطَّ عَلِيُّ (ع) بِيَدِهِ» (کلینی، بی تا، ۱: ۲۳۸؛ مجلسی، بی تا، ۴۴: ۹۷؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق ۲: ۲۸۷)؛ همه دانش با همه جوانبش در نزد ماست و ما اهلش هستیم و هیچ چیزی تا روز قیامت حادث نمی شود حتی در حد دیه یک خراش، الا این که دانش آن، مکتوب در نزد ماست، مکتوباتی که به املاء رسول خدا (ص) و به دست نوشت امام علی (ع) می باشد.

بررسی

این روایت همان گونه که پیداست بر جامعیت علم اهل بیت بر کلیات و جزئیات دانش ها در اثر فراگیری امام علی (ع) از پیامبر (ص) دلالت دارد نه بر تنزلی بودن مصحف حضرت.

۴-۱-۱. جمع بندی کلی روایات

چنان که دیدیم (بر فرض پذیرش توقیفی بودن چپش سور) در هیچ کدام از این روایات، صراحتی بر مسئله نحوه ترتیب قرآن در این مصحف وجود ندارد، ولی آنچه در این روایات دیده می شود، ویژگی بارزی که اهل بیت (ع) برای مصحف امام علی (ع) بر شمرده اند، ویژگی «حاوی تمام حقایق قرآن بودن» است. روایت سوم، این مصحف را «حاوی تنزیل و تأویل و همه احکام و حدود مورد نیاز» می شمرد و روایت دوم، می تواند برداشت بی کم و کاست را تأیید کند؛ چنان که فرمود: «قَدْ أَلْفَتُهُ كَمَا أَمَرَنِي وَ أَوْصَانِي» این روایت به این نکته اشعار دارد که حضرت علی (ع) نمی تواند خلاف نظر پیامبر (ص) عمل کرده باشد، چرا که بخش عمده سوره های قرآن توسط پیامبر (ص) تنظیم گشته بود و عملاً تخلف از آن برای احدی ممکن نبود. گزارش هفتم هم آن را «حاوی تمام معارف و پاسخ تمام مسائل مستحدث» می داند. از این جا معلوم می شود که روایاتی

مانند نقل اول و دوم که ویژگی این مصحف را با عبارت «كَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ» بیان کرده‌اند نیز به راستی به همین ویژگی ولی با عبارتی دیگر پرداخته‌اند. این روایات نشان می‌دهند که مصحف علی (ع) صرفاً اضافاتی نسبت به قرآنی داشته که توسط رسول خدا (ص) جمع شده و بنابراین در روایات، درباره نحوه چینش سور، سخنی به روشنی و قاطعیت مطرح نشده است.

بنابراین، روایات مربوط به مصحف امام علی (ع)، تنها تفاوت در تعبیر دارند و همگی به ویژگی اصلی این مصحف اشاره می‌کنند، آن ویژگی را یک‌بار با عباراتی نظیر «كَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ» بیان می‌کند که این مصحف تمام حقایق نازل شده از سوی خداوند را بدون کم و کاست دارد و بار دیگر با اوصاف «شامل تنزیل و تأویل»، «حاوی علوم مورد نیاز»، «مبین احکام و حدود» مشخص می‌کند که همه حقایق نازل شده، یعنی تنزیل و تأویل قرآن با هم در این مصحف موجود است (برزگر، ۱۳۹۷ش، ۲۹).

۲-۴. مستندات تاریخی

مستند یکم: اولین گزارش توسط ابن سعد در کتاب الطبقات الکبری است. وی از محمد بن سیرین درباره مصحف علی (ع) چنین نقل می‌کند: «رَعَمُوا أَنَّهُ كَتَبَهُ عَلِيٌّ تَنْزِيلَهُ» (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۲: ۲۵۸)؛ گمان کردند که امیرالمومنین (ع) قرآن را بر حسب تنزیل جمع کرده است.

نقد و بررسی

در این نقل اولاً صاحبان این نظر مشخص نیستند. در ثانی معلوم نیست که این سخن، یقینی حاصل از مشاهده عینی مصحف بوده یا صرفاً بر بنیاد ظن و گمان و برداشت از شنیده‌هاست (برزگر، ۱۳۹۷ش، ۲۲)، ثالثاً هیچ‌گاه ظن و پندار، انسان را بی‌نیاز از راستی و واقعیت نمی‌کند و نیز کاشف از واقعیت نیست. رابعاً تنزیل در لفظ به معنای چیزی است که به عنوان قرآن، نازل شده و نباید این لفظ را با اصطلاح جدیدی که متأخرین به کار می‌برند خلط نمود (نک: خویی، بی‌تا، ۳۰۴).

مستند دوم: ابن ضریس در این خصوص، نقل دیگری از محمدبن سیرین دارد. در این نقل، ابن سیرین از عکرمه سؤال می‌کند که آیا این مصحف بر بنیاد ترتیب نزول نوشته شده است؟ عکرمه می‌گوید: اگر جن و انس برای چنین کاری جمع شوند نمی‌توانند انجام دهند! آن‌گاه ابن سیرین هم این حرف عکرمه را تأیید می‌کند (ابن ضریس، ۱۴۰۸ق، ۱: ۳۶). یعقوبی، قائل است که امام علی (ع) مصحف خود را به هفت جزء از

سوره‌ها تقسیم کرده است: جزء اول: بقره، یوسف، عنکبوت، جزء دوم: آل عمران، هود و ... (یعقوبی، بی تا، ۱۳۵-۱۳۶).

نقد و بررسی

بر این بنیاد هر آنچه از دیگران مانند ابن جزئی نقل شده که: «جَمَعَهُ عَلِيٌّ تَرْتِيبًا نُزُولَهُ»، چیزی بیش از حدس و گمان نیست، چه این که خود او سند این قول را بیان نکرده و بعد از بیان آن نیز می‌گوید: این مصحف یافت نشده است. این قول نیز بنا بر روایت فرد یا شماری از افراد نقل نشده است، ولی بر فرض پذیرش آن نیز باز هم تدوین این مصحف را به ترتیب نزول ثابت نمی‌کند، زیرا اجزائی که ذکر شده به روشنی ترتیبی غیر از ترتیب نزول دارند.

سیدمرتضی عسکری در کتاب القرآن و الکریم و روایات المدرستین می‌نویسد: «هیچ کس به غیر از ائمه اهل بیت (ع) مصحف علی (ع) را ندیده است و هر کسی به غیر از ایشان، چیزی درباره این مصحف نقل کند، تیری در تاریکی انداخته و حرف او مورد پذیرش نیست» (۱۴۲۴ق، ۲: ۴۱۳).

به راستی ترتیب مصحف علی (ع) را جز خود ایشان و ائمه اطهار (ع)، کسی ندیده است، زیرا امام علی (ع) بعد از مطلع کردن هیئت حاکمه از وجود چنین مصحفی و امتناع ایشان از پذیرش آن، قسم یاد کردند که دیگر این مصحف را نخواهند دید (صفار، ۱۴۰۴ق، ۱: ۱۹۳) و این مصحف بر طبق وصیت پیامبر اکرم (ص) از امام علی (ع) به امامان بعد از خود به ارث رسید. پس مصحف امام علی (ع) از دسترس عموم مردم دور بوده و کسی آن را ندیده است و اقوالی که به عنوان مستندات تاریخی ارائه می‌شود پشتوانه یقینی نداشته و مفید دانش نخواهد بود.

حاصل آن که بنا بر اشکالات وارد شده بر مستندات تاریخی، نمی‌توان در این قسمت، حکم بر چینش مصحف امام علی (ع) بر بنیاد ترتیب نزول داد. برای وصول به دیدگاه مختار ضرورت دارد که به بررسی فرضیه‌های مطرح در بیان مسئله پردازیم تا ضمن تحلیل فرضیه‌ها دیدگاه مطلوب، خود را نشان دهد.

۵. آزمون فرضیه‌ها برای رسیدن به دیدگاه برتر

۵-۱. ارزیابی فرضیه اول

روایات و مستندات تاریخی دال بر چینش سور قرآن کریم بر حسب نزول در مصحف امام علی (ع) قرین صحت بوده، ولی چینش فعلی و رایج سور، اجتهادی بوده و توسط

صحابه و تابعین انجام پذیرفته است. بنابراین امیرالمومنین (ع) بر خلاف روش رسول اکرم (ص) به تنظیم سور نپرداخته است.

با عنایت به فرضیه اول که دائر مدار اجتهادی بودن چینش قرآن کریم بود؛ ما لاجرم معتقد به نوعی از تحریف قرآن کریم می‌شدیم و این نوع تحریف به دلیل آن بود که به باور گروهی از قرآن‌پژوهان مانند: حجتی (۱۳۷۲ ش، ۲۳۱-۲۳۲)، عاملی (۱۳۷۴ ش، ۱۱۱-۱۱۳)، زرکشی (۱۴۰۸ ق، ۱: ۲۳۸-۲۴۰)، رامیار (۱۳۶۹ ش، ۲۸۱)، رسول اکرم (ص) در زمان حیات خود به جمع و گردآوری بخش عمده‌ای از آیات و سور قرآن همت گماشت، ولی در برابر، حضرت علی (ع) برای چینش مصحف خود خلاف سیره عملی رسول خدا (ص) مشی نموده‌اند؛ بخصوص با عنایت به این‌که برخی از قرآن‌پژوهان، اختلاف ساختاری با قرآن گردآوری شده توسط رسول اکرم (ص) را نیز نوعی تحریف تلقی نموده‌اند. مثلاً نیشابوری در تفسیر خود یادآور می‌شود که در زمان رسول خدا (ص) قرآن گردآوری شده بود، زیرا آیه‌ای نازل نگردید جز آن‌که پیامبر (ص) به کاتبان وحی دستور می‌داد تا آن را در جای مشخصی از قرآن بگذارند و نیز سوره‌ای نزول نمی‌یافت مگر آن‌که به نویسنده وحی می‌فرمود آن را در کنار فلان سوره قرار دهد. ابن عباس نیز همین موضوع را یادآور شده است که پیامبر (ص) پس از نزول هر سوره، کاتب وحی را احضار می‌فرمود و به او می‌گفت این سوره را در فلان محل قرار دهد که خود پیامبر (ص) نیز از آن محل نام می‌برد. حتی نیشابوری معتقد به جمع و ترتیب قرآن در زمان پیامبر (ص) بوده و می‌گوید: هرکس معتقد باشد که ترتیب موجود سور قرآن از کارهای عثمان است کتاب خدا را از حجیت ساقط کرده و به تصحیف و تحریف آن معتقد گشته است (به نقل از فیض کاشانی، ۱۳۷۷ ش، ۱۳۰).

۵-۲. ارزیابی فرضیه دوم

با توجه به این‌که روایات ترتیب تنزیلی سور و آیات در مصحف امام علی ع غیر روشن و مجمل است با نظریه توقیفی بودن و چینش فعلی قرآن کریم براساس ترتیب سوره‌ها از بزرگ‌تر به کوچک‌تر، منافاتی ندارد پس دلیلی بر اینکه مصحف امام علی (ع) مطابق سیره رسول الله (ص) گردآوری نیافته وجود ندارد.

گفته بودیم که چنانچه روایات و مستندات تاریخی دال بر گردآوری مصحف امام علی (ع) به ترتیب نزول باشند این به معنای مخالفت عملی امیرمؤمنان (ع) با سیره و روش پیامبر (ص) در گردآوری قرآن و در تعارض با تصریحات مکرر امام بر تبعیت

و همراهی بی‌چون و چرای وی از منش و روش رسول‌الله (ص) است، در حالی که با مراجعه به متن روایات - چنان‌که در بررسی آن‌ها گفتیم - تنها دو عبارت «كَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ» و «الْفَتْهُ كَمَا أَمَرَنِي» شاید بتوانند مفهوم گردآوری تنزیلی را افاده کنند و بی‌شک دلالت قطعی بر آن ندارند و تنها می‌توان قائل به ایهامی در این خصوص شد. با وجود این در کنار این مفهوم، می‌توان با جمع دلالت روایات این موضوع، دو معنای دیگر یعنی برداشت تأکیدی و برداشت تکمیلی را نیز در نظر داشت.

۵-۳. ارزیابی فرضیه سوم

با دقت در روایات و مستندات تاریخی، نمی‌توان درباره نحوه چینش سوره در مصحف علی (ع) با قطعیت سخن گفت و قدر متیقن در محتوای مصحف علی (ع) آن است که دارای اضافاتی به عنوان شأن نزول و تفسیر آیات قرآن بوده است. اگر در مورد ترتیب گردآوری سوره‌ها و آیات مصحف علی (ع) تردیدهایی وجود دارد این به معنای نادیده گرفتن سایر مفاهیم آن نیست. با توجه به اهتمام جدی و طولانی امام به گردآوری مصحف (رامیار، ۱۳۶۹ ش، ۳۶۸) طبیعی است در بازه زمانی شش ماهه، مطالب بیشتری از حجم یک مصحف خالص قرآنی توسط امام (ع) گردآوری یا تنظیم شده است و به قرینه نص و محتوا و فضای صدور مجموع این‌گونه روایات تفسیری، مهمترین بخش این اضافات و افاضات، شأن نزول و تفسیر و تأویل آیات بوده است.

۵-۴. ارزیابی فرضیه چهارم

با توجه به تعابیری مانند: «كَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ»، «كَمَا أَمَرَنِي وَ أَوْصَانِي»، «كَمَلًا مُشْتَمِلًا عَلَيَّ الْتَأْوِيلِ، وَ التَّنْزِيلِ»، «كَلَهُ ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً»، و «لَمْ يَسْقُطْ عَلَيَّ حَرْفٌ وَاحِدٌ» در روایات، می‌توان برداشت تأکیدی (بی‌کم و کاست بودن مصحف علی (ع) و برداشت تکمیلی مشتمل بودن بر تفسیر و تأویل و سبب نزول) را پذیرفت.

الف. برداشت تأکیدی (تألیف بی‌کم و کاست)

تعبیر «كَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ» می‌تواند مشعر به گردآوری «طبق نزول»، «بر اساس واقعیت» و «بدون هیچ کم و کاست» باشد. این عبارت نشان از تأکید بر گردآوری بی‌کم و کاست قرآن و کامل بودن مصحف امام علی (ع) دارد نه چینش براساس ترتیب نزول. به عنوان مؤید این سخن در روایتی از امام باقر (ع) جمع و حفظ قرآن با ویژگی

«كَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ» صرفاً مختص امامان معصوم (ع) دانسته شده است: «عن جابر قال سمعت أبا جعفر يقول ما من أحدٍ من الناس يقول أنه جمع القرآن كله كما أنزل الله إلا كذابٌ وما جمعه وما حفظه كما أنزل الله إلا علي بن أبي طالبٍ والأئمة من بعده» (صفار، ۱۴۰۴ق، ۱: ۱۹۳)؛ توضیح این که اگر معنای «كَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ» دانستن ترتیب نزول قرآن به معنای لفظ آیات و سور باشد، این دانش، چیزی مختص ائمه اطهار (ع) نیست، بلکه لااقل بزرگان صحابه پیامبر اکرم (ص) که برخی نیز جز کاتبان و حافظان قرآن بودند، این ویژگی را دارا بودند. از سوی دیگر، در حدیث دیگری قریب المضمون به حدیث قبل، چنین آمده است: «عن أبي جعفر أنه قال: «مَا يَسْتَطِيعُ أَحَدٌ أَنْ يَدْعِيَ أَنَّهُ جَمَعَ الْقُرْآنَ كُلَّهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً غَيْرَ الْأَوْصِيَاءِ» (همان). چنان که می بینید، در حدیث دوم عبارت «ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً» دقیقاً به جای عبارت «كَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ» آمده است و این معنی عبارت «كَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ» به معنای، حاوی نما و درون آنچه خدا نازل کرده است (بدون کم و کاست) می باشد و مؤید این سخن روایت چهارم از امیرالمومنین (ع) است که فرمود: «لَمْ يَسْقُطْ مِنْهُ حَرْفٌ أَلْفٌ وَ لَا لَامٌ».

ب. برداشت تکمیلی

با جمع بندی محتوایی روایات نمی توانیم به طور قاطع به تنزیلی بودن مصحف امیرالمومنین (ع) برسیم، بلکه چنین می توان استنباط کرد که منظور از «كَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ» یا «کما نزل» اشتغال مصحف آن حضرت بر اطلاعات پیرامونی آیات مانند: شأن نزول، تفسیر و تأویل آیات می باشد.

به سخن دیگر نیاز است که وسعت معنایی جمع قرآن ملاحظه شود بدین معنا که جمع، تنها به معنای کنار هم نهادن الفاظ وحی نیست و از جمله معانی دیگر آن شرح و تبیین است، چنان که از روایاتی همچون: «مَا يَسْتَطِيعُ أَحَدٌ أَنْ يَدْعِيَ أَنَّهُ جَمَعَ الْقُرْآنَ كُلَّهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً غَيْرَ الْأَوْصِيَاءِ» (کلینی، بی تا، ۲: ۲۲۸) برمی آید که یکی از معانی جمع، گردآوری مفاهیم آیات، مخصوصاً شأن نزول و تفسیر آیات قرآن می باشد.

بنابراین از توسعه معنایی جمع قرآن و ناکارآمدی نص روایات از افاده قطعی ترتیب تنزیلی مصحف امام علی (ع) و دلالت های آشکار الفاظ روایات مربوطه بر کامل و بی نقص و روشن گر بودن این مصحف، راهی به سوی انتخاب فرضیه ارجح یعنی فرضیه چهارم مبنی بر پذیرش برداشت تأکیدی و یا برداشت تکمیلی گشوده می شود.

۶. نتیجه‌گیری

با توجه به دیدگاه مشهور درباره نحوه چینش سوره‌ها در مصحف امام علی (ع) و شبیه مترتب بر آن، مبنی بر مخالفت امام (ع) با چینش نبوی قرآن، در این مقاله ضمن تبیین اهم دیدگاه‌ها پیرامون توقیفی یا اجتهادی بودن ترتیب گردآوری وحی و مروری بر متن و بررسی مدلول روایات مرتبط، فرضیه‌هایی مطرح و به ترتیب زیر مورد ارزیابی قرار گرفت؛

۱. چنانچه ترتیب گردآوری فعلی قرآن را اجتهادی بدانیم حتی با قبول روایات مشعر به ترتیب تنزیلی این مصحف، مخالفت علی (ع) با سیره پیامبر (ص) در گردآوری قرآن منتفی است.

۲. چنانچه چینش فعلی سوره‌ها را توقیفی بدانیم با عنایت به عدم روشنی روایات مزبور، به ویژه تعابیری همچون «كَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ» و «كَمَا أَمَرَنِي رَسُولُ اللَّهِ» باز هم تخلف آن حضرت از روش رسول خدا (ص) برداشت نمی‌شود.

۳. در برداشت از روایات مرتبط با مصحف امام علی (ع)، قدر متیقن آن است که در بردارنده اضافاتی مانند: تفسیر و تأویل و سبب نزول بوده است.

۴. وجود عباراتی همچون «كَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ»، «كَمَا أَمَرَنِي وَ أَوْصَانِي»، «كَمَلًا مُشْتَمِلًا عَلَى التَّوِيلِ، وَ التَّنْزِيلِ»، «كُلُّهُ ظَاهِرَةٌ وَ بَاطِنَةٌ»، و «لَمْ يَسْقُطْ عَلَى حَرْفٍ وَاحِدٍ» ثابت می‌کند که دو دیدگاه برداشت تأکیدی - به معنای بی‌کم و کاست بودن مصحف نسبت به واقعیت آیات و سوره‌های نازل شده - و برداشت تکمیلی - به معنای مشتمل بودن مصحف ایشان بر اضافاتی مانند: شأن نزول و بیان مصادیق و تفسیر و تأویل - بر دیدگاه مشهور - مبنی بر چینش متفاوت سوره‌ها در این مصحف نسبت به مصحف رایج بعد از پیامبر (ص) تا کنون - اولویت و ارجحیت دارد.

منابع

قرآن کریم.
آلوسی، سید محمود، تفسیر روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.

ابن جزی، محمد بن احمد، التسهیل لعلوم التنزیل، بیروت، دارالارقم، ۱۴۱۶ق.

ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الکبری، بیروت، دارالکتب، ۱۴۱۰ق.

ابن ضریس، محمد بن ایوب، فضائل القرآن و ما انزل القرآن بمکه و ما انزل بالمدينه، دمشق، دارالفکر، ۱۴۰۸ق.

ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغه، بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۹ش.

ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق.

- اظهاری مبارکپوری، کرار حسین، حقایقی پیرامون مصحف فاطمه، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی مدرسه فقه و معارف اسلامی، ۱۳۸۴ش.
- ایازی، سیدمحمدعلی، مصحف امام علی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰ش.
- برزگر، محمد، پایان‌نامه «چینش نظام‌مند سوره‌ها در قرآن کریم»، قم، دانشگاه مذاهب اسلامی، ۱۳۹۷ش.
- بهبخت‌پور، عبدالکریم، تفسیر تنزیلی (مبانی، قواعد و فوائد)، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۲ش.
- تجری، محمدعلی و همکاران، «واکاوی روایات شیعی در ترتیب نزولی بودن مصحف امام علی»، آموزه‌های قرآنی، ۱۳۹۴ش، شماره ۲۲، صص ۳-۲۹.
- جفری، آرتور، مقدمتان فی علوم القرآن، قاهره، مکتبه الخانجی، ۱۳۹۲ش.
- حجتی، سید محمدباقر، پژوهشی در تاریخی قرآن کریم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰ش.
- خرقانی، حسن، و حیانی بودن ساختار قرآن، مشهد، پژوهش‌های قرآنی ویژه‌نامه امام خمینی، ۱۳۷۸ش.
- خوئی، سیدابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، مؤسسه احیاء آثار امام خوئی، بی‌جا، بی‌تا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دمشق، دارالشامیه، ۱۴۱۲ق.
- رامیار، محمود، تاریخ قرآن، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۹ش.
- زرکشی، محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۸ق.
- زمخشری، محمود بن عمر، بنیاد البلاغه، بیروت، دار صادر، ۱۳۹۹ش.
- سیوطی، جلال‌الدین، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۲۱ق.
- صدوق، محمد بن علی، کمال‌الدین و تمام النعمه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۹۵ق.
- _____، اعتقادات امامیه، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
- صفار، محمدبن حسن، بصائرالدرجات فی فضائل آل محمد، قم، مکتب آیه‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع‌البحرین، تهران، مکتبه المرتضویه، ۱۳۷۵ش.
- عاملی، سیدجعفر مرتضی، حقایق الهامه حول القرآن الکریم، بیروت، دارالصفوه، بی‌تا.
- عسگری، سیدمرتضی، القرآن الکریم و روایات المدرستین، قم، دانشکده اصول دین، ۱۴۲۴ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم، هجرت، ۱۴۱۰ق.
- فرشچیان، رضا، امام علی (ع) و مبانی علوم قرآنی، کرمان، دانشگاه شهید باهنر، ۱۳۸۷ش.
- فیض کاشانی، ملامحسن، دانش الیقین فی اصول‌الدین، قم، بیدار، ۱۳۷۷ش.
- _____، تفسیر الصافی، تهران، صدر، ۱۴۱۵ق.
- قرشی، سیدعلی اکبر، تفسیر احسن‌الحديث، تهران، بنیاد بعثت، چاپ سوم، ۱۳۷۷ش.
- قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، تهران، ناصرخسرو، ۱۳۶۴ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی‌تا.
- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار فی اخبار الائمه الاطهار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
- مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن، تهران، ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.
- معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ق.
- مفید، محمد بن محمد، المسائل السرویه، قم، کنگره جهانی شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- مهدوی‌راد، محمدعلی، «میراث مکتوب علوی»، علوم حدیث، ۱۳۸۴ش، شماره‌های ۳۷-۳۸، صص ۸۷-۱۰۶.

ناصحیان، علی اصغر، «مصحف علی از منظر احادیث»، آموزه‌های قرآنی، ۱۳۸۹ش، شماره ۱۲، صص ۷۳-۹۸.

نکونام، جعفر، پژوهشی در مصحف امام علی (ع)، رشت، کتاب مبین، ۱۳۸۲ش.

نهایندی، محمد، نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن، قم، بنیاد بعثت، ۱۳۸۶ش.

یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب، تاریخی الیعقوبی، بیروت، دار صادر، بی‌تا.